نگاهی به کارنامه هنری ناصر چشم‌آذر که امروز هفتمین سالروز سکوت ابدی اوست

به یاد خالق «باران عشق»

گزارش

نداسیجانی
روزنامه‌نگار

امروز یکشنبه ۱۴اردیبهشت ماه مصادف با سالروز درگذشت ناصر چشم آذر است؛ موسیقیدان، آهنگساز و تنظیم‌کننده ایرانی. هنرمندی که نام و هنرش علاوه بر ترانه های ماندگار، موسیقی فیلم و سریال نیز عجین است و آثار موسیقایی‌اش بر تارک تاریخ سینمای ایران می‌درخشد. موزیک متن فیلم هایی همچون «هامون» و «اجاره نشین‌ها» به کارگردانی داریوش مهرجویی، «قارچ سمی» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور والبته «خواهران غریب» به کارگردانی کیومرث پوراحمد و دیگر موسیقی فیلم‌های ارزنده او که هرکدام بخشی از کارنامه پربار و هنری ناصرچشم آذر در طول فعالیت هنری‌اش بوده است.

مولود خانواده موسیقایی

بی تردید تبحر او در زمینه آهنگسازی بی‌تأثیر از نقش خانواده در آموزش و ترغیب او به این هنر نبوده است.

ناصر چشم آذر در خانواده‌ای اهل هنر و موزیسین متولد شده است و در کنار برادرش منوچهر چشم‌آذر درسایه تعلیمات پدر، استاد اسماعیل چشم‌آذر (ازنوازندگان بنام موسیقی آذربایجان در سازهای کمانچه و تار) مراحل اولیه موسیقی را آموزش دید. ساز انتخابی او آکاردئون بود و در۱۲سالگی به همراه مرحوم پدرش وارد ارکستر آذربایجانی رادیو ایران شد و در ۱۳ سالگی جایزه ویژه موسیقی را در مقطع دبیرستانی به خاطر نواختن آکاردئون دریافت کرد. جالب اینکه ۱۷ سال داشت که توانست رهبری کنسرتی در سفارت ایران درعراق را بر عهده بگیرد و در ۲۰ سالگی برای گذراندن دوره موسیقی جَز به آمریکا مسافرت کرد. او نوازندگی ساز پیانو را در نوجوانی و به‌صورت خصوصی آموزش دید و در ادامه دوره‌های تکمیلی این ساز را نزد استادانی چون مرتضی حنانه و امانوئل ملیک اصلانیان سپری کرد.

این آهنگساز، سال ۱۳۵۷ به مدت ۵ سال جهت تکمیل دوره موسیقی جاز و موسیقی فیلم به آمریکا سفر کرد اما سال ۱۳۶۳ و با فوت پدرش به ایران بازگشت و از آن زمان به بعد عمده فعالیتش ساخت موسیقی فیلم و سریال بود. ناصرچشم آذر از پیشگامان سازهای الکترونیک در ایران است و از همان ابتدای کار نگاهش به دنیای موسیقی متفاوت بود. دنیای موسیقایی او سراسر عشق و شور و زندگی است مانند «باران عشق» که یکی از شاهکارهای این هنرمند است که با خاطره جمعی مردم ما گره خورده و بسیاری او را با این قطعه می‌شناسند.

کارنامه سینمایی چشم آذر

بخش عمده فعالیت‌های ناصر چشم‌آذر از دهه ۶۰ به این سو، به موسیقی فیلم‌هایش برمی گردد و در این زمینه با کارگردانان شناخته شده‌ای همکاری داشته است.

چشم آذراولین کار سینمایی خود راسال ۶۳ با فیلم«تاراج» اولین ساخته ایرج قادری بعد از انقلاب آغاز کرد. البته در فیلم «می خواهم زنده بمانم» هم با این بازیگر و کارگردان همکاری داشته است. او بعد از ساخت موسیقی فیلم «سمندر» به کارگردانی محمود کوشان(سال ۱۳۶۴)، موسیقی فیلم «اجاره نشین‌ها» به کارگردانی داریوش مهرجویی را ساخت؛ از آثار شاخص این کارگردان که همچنان تماشایی است. او در ادامه در فیلم‌های«شیرک»، «هامون»، «بانو»، «داستان‌های جزیره» و«میکس» با مهرجویی همکاری داشت.

اولین همکاری ناصر چشم‌آذر با سیروس الوند سال ۶۶ با فیلم «محموله» آغاز شد. البته در فیلم‌های «چهره»، «برگ برنده»، «تله» و«زن دوم» هم با این کارگردان همکاری داشته است. «لنگرگاه» اولین همکاری این آهنگساز با کیومرث پوراحمد بود و در ادامه در فیلم‌های «شکار خاموش»، «سفرنامه شیراز» و«خواهران غریب» بوده است. البته موسیقی سریال «قصه‌های مجید» هم از ساخته‌های چشم‌آذر است. دو تا از ساخته‌های پوراحمد که همچنان شنیدنی است و درخاطر مردم سپرده شده و نام و هنر ناصر چشم آذر را جاودان کرده است.

ناصر چشم‌آذر تا سال ۱۳۹۶، ۷۴ موسیقی فیلم در همکاری با کارگردانانی چون تهمینه میلانی، مهدی فخیم‌زاده، رسول ملاقلی‌پور، محمدعلی باشه‌آهنگر، مسعود اطیابی، پوران درخشنده، شاهد احمدلو، مهدی صباغ‌زاده، ابوالحسن داوودی، ناصر تقوایی، خسرو ملکان، منوچهر هادی و... ساخته است که در برخی از آثارش موفق به دریافت سیمرغ جشنواره فیلم فجر هم شده است. آخرین موسیقی فیلمی که ساخته «نبات» نام دارد از ساخته‌های پگاه ارضی. این هنرمند همچنین ۱۱ آلبوم بی‌کلام با نام‌های«شکوفه‌های ایران»، «خواهران غریب»، «شب‌های تهران»، «باران شادی۱ و ۲ و ۳»، «طلوع عشق» و «باران عشق» تولید کرده است. از ساخته‌های او در مجموعه‌های تلویزیونی علاوه بر «قصه‌های مجید»، «خواب و بیدار» ساخته فخیم‌زاده است که بسیارمورد توجه بود. ناصر چشم‌آذر بامداد روز جمعه ۱۴اردیبهشت ۱۳۹۷ بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت؛ مرگی ناباورانه که همگان را در بهت و حسرت گذاشت. اگرچه به گفته یاران و دوستانش چشم‌آذر با آثارش همچنان زنده است و هر سال کنسرت‌هایی با عاشقانه‌های او برگزار می‌شود تا یاد و آثارش همچنان تکرار و تکرار شود.

هنرمندی منحصربه‌فرد

قاسم افشار از جمله خوانندگان پاپی است که با ناصر چشم‌آذر همکاری داشته است. این خواننده در گفت‌وگو با «ایران» دراین باره بیان کرد: «ازسال‌ها قبل با موسیقی‌های آقای چشم‌آذر آشنایی داشتم. شاید ۲۰سال گذشته بود و بلکه بیشتر. به یاد دارم اولین دیدارمان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود وآن روز صحبت‌هایی در خصوص مباحث موسیقی مطرح شد و بعد از آن درکنفرانسی با موضوع «آب» یک کار با همکاری آقای چشم‌آذر انجام گرفت. از آن زمان آشنایی و دوستی‌هایمان بیشتر شد و در ادامه در سریال «خسته‌دلان» به کارگردانی سیروس الوند همکاری داشتیم و خواننده این کار بودم که شعر آن به سروده خود آقای الوند بود با تنظیم و آهنگسازی آقای چشم‌آذر. بعد از آن متأسفانه فرصت همکاری بیشتری فراهم نشد. البته قرار بود در کنسرت نوستالژی ناصر چشم‌آذر که با یادی از عاشقانه‌های این آهنگساز بود و برگزار شد، همکاری داشته باشم که توافق انجام نشد. در واقع اولین پیشنهاد همکاری را با من مطرح کردند.»

قاسم افشار درباره سبک کاری ناصر چشم‌آذر که موجب ماندگاری آثارش شده است، گفت: «ناصر چشم‌آذر از نابغه‌های موسیقی است. هنرمندی که در خانواده هنری متولد شد و رشد کرد و از کودکی با موسیقی آشنا بود و ساز می‌نواخت و موزیسین بسیار بااحساسی بود. پیانو و آکاردئون از سازهای اصلی آقای چشم‌آذر بود اما دیگر سازها را هم به خوبی می‌شناخت و از آهنگسازان درجه یک بود.»

او درادامه افزود: «ناصر چشم‌آذر از آهنگسازان نسل قبل از انقلاب است و در آن دوران با خواننده‌های بسیاری همکاری داشته و همچنان آثارش ماندگار است. بعد از انقلاب هم تولیدات بسیار خوبی در زمینه آهنگسازی داشت و کارهای مانایی هم از آن دوران به جا مانده است، اما موضوعی که برای من بسیار حائزاهمیت است این که تنظیم‌های او کاملاً منحصربه فرد و امضای خود ناصر چشم‌آذراست.

شاید هم یک دلیل آن تعهد کاری است که همیشه مد نظر قرار می‌داد و در ساخت و تنظیم آثارش زمان بسیاری صرف می‌کرد تا کار به بهترین شکل تولید شود. نکته دیگر دانشی بود که نسبت به هنرش داشت و بی‌تردید این موضوع موجب جاودانگی نام وهنرش شد و افسوس که خیلی زود ایشان را از دست دادیم.»

او در ادامه صحبت‌هایش درباره موسیقی فیلم‌های ناصر چشم‌آذر بیان کرد: «آقای چشم آذر در زمینه موسیقی فیلم کارنامه پربار و درخشانی دارد و از جمله آثار شاخص او«خواهران غریب» است با بازی مرحوم خسرو شکیبایی که بسیار ماندگار است. موسیقی متن‌های او هم درجه یک و متمایز با دیگر آهنگسازان است. در واقع آثار او رنگ و بوی خاص خودش را دارد.»

افشار در ادامه صحبت‌هایش گفت: «قبل و بعد از انقلاب آهنگسازان بسیار بزرگی در کشورمان حضور داشتند و کارهای بسیار ارزشمندی هم در این زمینه تولید شده است مانند مرحوم واروژان یا بابک بیات و دیگر خالقان موسیقی که هر کدام سبک و سلیقه خاص خود را داشتند و آن را حفظ کردند و ادامه دادند و این همان رمز ماندگاری آثار موزیسین‌های بزرگ ایران است.»

این خواننده درباره عدم ماندگاری یا پایبند ماندن به سبکی خاص در آهنگسازی در نسل امروز اظهار کرد: «یک بخش آن مربوط به دانش و سواد موسیقی است. در واقع از زمانی که اغلب کارها وابسته به سیستم‌های کامپیوتری شد، ماندگاری کارها هم آرام آرام کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد اما آقای چشم‌آذر از آن دسته آهنگسازانی بود که ساعت‌ها برای تولید یک اثر زمان صرف می‌کرد و برای تک‌تک سازها پارتیتور خوب می‌نوشت تا آنچه که بر دلش می‌نشست خلق شود. اما در حال حاضر اغلب کارها به گونه‌ای دیگر تولید می‌شود. شاید هم اشکالی برآن وارد نباشد اما دیگر آن حس و حال و آن جان‌بخشی وجود ندارد یا کمتر دیده و شنیده می‌شود و همین موضوع دلیل تمایز آهنگسازانی چون ناصر چشم‌آذر با دیگر همرده‌های خود است و همین امر نام او را مانا و ماندگار کرد.» قاسم افشار درباره تأثیرگذاری رسانه در دیده شدن کار هنرمند افزود: «بی‌تردید بسیار اثرگذار است.

رسانه ملی خود متولی هنر است و بر این اساس بایستی در این زمینه نگاه‌های جدی داشته باشد. خود من حدود سال‌های ۷۶-۷۵ کار خود را شروع کردم و رسانه ملی در این زمینه بسیار مؤثر بود و بیننده‌های بسیاری داشت و به همین نسبت کارهای ما دیده می شد.

البته در حال حاضر شرایط به گونه‌ای دیگر شده و رسانه مردم و هنرمندان صفحه‌های اینستاگرام و... است و تولیداتشان از طریق همین صفحات مجازی منتشر و شنیده می‌شود.

> چشم‌آذر نوازندگی ساز پیانو را در نوجوانی و به‌صورت خصوصی آموزش دید و در ادامه دوره‌های تکمیلی این ساز را نزد استادانی چون مرتضی حنانه و امانوئل ملیک اصلانیان سپری کرد

پس کی می‌رسند انگورها

محمد صالح‌علا
شاعر و نویسنده

دوستی ما در جوانی افتتاح شد، نخست خدمت‌تان بگویم، یک روز از جام جم پیاده می‌رفتیم، آسمان ابری بود، باران می‌بارید و نمی‌بارید، نرسیده به میدان ونک ایشان توقف کرد، غروب شده بود و ازآن نزدیکی صدای نی‌لبک می‌آمد و نمی‌آمد، زیرا، باد می‌وزید و صدای نی‌لبک را دور و نزدیک می‌کرد، رهگذران دیده نمی‌شدند، شاید پشت غارغار کلاغ‌ها ایستاده بودند و به آواز نی‌لبک گوش می‌کردند. من برگشتم، دیدم آقای چشم‌آذر گریه می‌کند، من هم گریه‌ام گرفت، ایشان از من پرسید چرا گریه می‌کنی؟ گفتم دیدم شما گریه می‌کنی، من هم گریه‌ام گرفت. آن وقت به هم نگاه کردیم و خدا می‌داند ما چقدر خندیدیم. من بعدتر در یک بند از مقطع ترانه‌ای نوشتم، مردی که می‌نواخت، در گرگ و میش شهر، درنای نی‌لبک، مردی که می‌گریست، با چشم آسمان، بالاتر از ونک، یادت بهانه شد، کم کم ترانه شد، تهران از این طرف. مقصود اینکه ما خیلی دوست هم بودیم، در هر دیدار خیلی با هم حرف می‌زدیم، خیلی درد دل می‌کردیم و خیلی می‌خندیدیم، گاهی هم از هم خبر نداشتیم، آقای چشم‌آذر و من شاید بیست و یکی- دو- سه ساله بودیم که با هم آشنا شدیم، آن زمان من «شب تغییر شکل داده شده» را کار می‌کردم، استاد علی اصغر محتاج درباره آن تله تئاتر با من گفت‌وگو کردند، مصاحبه با یکی- دو قطعه شعر من در مجله تماشا منتشر شد، به نظرم خوانده شدن آن شعرها موجب شد از من دعوت کنند تا تصنیفی روی ملودی زیبای ایشان بنویسم، اصلاً ترانه نوشتن من با همان ترانه «زائر» روی ملودی زیبای ایشان و صدای کم‌نظیر خواننده‌اش افتتاح شد، آقای چشم‌آذر نازنین ما، در خاندان موسیقی بالیده بود، ایشان با دانش موسیقایی در تصنیف موسیقی اینسترومنتال کم نظیر بود، نمونه‌اش آثار ماندگار او در تصنیف موسیقی فیلم، مجموعه‌های تلویزیونی و همین نمونه‌سازی او «باران عشق» است. شما بهتر از من می‌دانید که ذائقه بیشتر هموطنان ما موسیقی کلامی است و «باران عشق» نمونه موسیقی بی‌کلامی است که با استقبال هموطنان ما مواجه شد، حیف که آقای چشم‌آذر ناتمام ماند، خیلی زود عازم عالم ناز شد، گاهی سرنوشت از ما جلو می‌افتد، چنان که پس از سال‌ها بنا بود ما با هم روی آلبومی کار کنیم که به قول سعدی گرامی، ناگهان بانگی برآمد خواجه مرد، یا به قول شمس لنگرودی عزیزمان، باد می‌وزد و میوه نمی‌داند هنگام افتادن او اکنون است. ما مردم در شکل تاریخی مصرف کننده موسیقی باکلام هستیم. موسیقی بی کلام بیشتر مردم ما را حالی به حالی نمی‌کند. به شکل تاریخی، ما ذائقه به موسیقی (اینسترومنتال) سازی نداریم، برای همین موسیقی ما همواره پاکش ترانه بوده است. موسیقی مردموار (پاپ) ما، با ترانه فهم می‌شود.

در آشکارسازی دلیل ارتباط مردم نازنین‌مان با موسیقی‌سازی ایشان در قصه‌ای که روایت می‌کند پنهان شده است. موسیقی‌سازی ایشان قصه دارد. یکبار در اتاق روی بام خانه‌شان روی پیانو قطعه‌ای می‌ساخت، ما گریه می‌کردیم، در آن میان، آقای مهرجویی گفت: یک نفر از ما سه نفر بپرسد چرا گریه می‌کنید؟ در همان حال هر سه خندیدیم، به نظرم شاید چون ایشان موسیقیدان و موسیقی‌سازی پدرزادی بود.

در آخر باید بگویم حرف زدن درباره آقای ناصر چشم‌آذر مانند آب دادن به سایه درخت‌هاست.

هفت سال از رفتن ناصر چشم‌آذر گذشت

اهل ملودی

نسیم قاضی‌زاده
منتقد موسیقی

آقای کیارستمی گفت: «تو نابغه‌ای!» گفتم: «شوخی نکنید. نابغه کجا! من کجا!» کیارستمی گفت: «بسیار عالی بود.» حالا شد هفت سال که یکی از نوابغ سینما و موسیقی ایران دیگر در میان ما نیست. باید به آقای کیارستمی اعتماد کنیم، مگر چند آهنگساز داریم که در ۱۲ سالگی وارد ارکستر رادیو شوند و در ۱۳ سالگی جایزه ویژه موسیقی را به‌خاطر نواختن آکاردئون دریافت کنند؟ بعدتر در ۱۷ سالگی رهبری ارکستر کنند و ۱۸ سال‌شان که شد، سفرهای رسمی‌شان را با گوگوش به عنوان آهنگساز و مدیر گروه موسیقی شروع کنند؟ چشم‌آذر که پیگیرانه مسیر موسیقی‌اش را پشت هم دنبال می‌کرد، دوره جاز را در آمریکا گذراند، یک برنامه تلویزیونی موسیقی راه انداخت و شاگردی بزرگ‌ترین استادان این سرزمین همچون مرتضی حنانه و ملیک اصلانیان را کرد. بعد از آن باز هم دنبال وجوه مختلف موسیقی و هنر رفت، درس موسیقی فیلم و موسیقی الکترونیک خواند و زمانی که به ایران بازگشت، در مقایسه با کارنامه کاری قبلی‌اش که بیشتر حول محور ساخت ترانه و تصنیف می‌گذشت، برای ایرج قادری موسیقی فیلم را نوشت؛ کاری که تا سالیان سال اصلی‌ترین کاری بود که به عنوان موزیسین انجام داد.

حالا او رفته تا یکی دیگر از غول‌های موسیقی فیلم ایران و نسل اول آهنگسازان سینمای ایران دیگر در میان ما نباشد. ناصر چشم‌آذر در زمره آهنگسازان تحصیلکرده و باسوادی بود که سال‌ها در خارج از ایران درس موسیقی خوانده بود، علمش را به‌روز کرده و بعد به ایران برگشته و کار کرده بود. زمانی که کمتر کسی از سازهای الکترونیک سر درمی‌آورد، او با سینتی سایزر آشنا بود، می‌نواخت، قطعه می‌ساخت و اگر دیگر همکارانش نیاز به این ساز داشتند، در اختیارشان قرار می‌داد. مجید انتظامی که هم‌دوره اوست، می‌گوید: «در آن دوران دستگاه موسیقی الکترونیک در ایران وجود نداشت و تنها ناصر چشم‌آذر این دستگاه را خریداری کرده بود و کارکردن با آن را می‌دانست. یکبار سیستم خود را به استودیو آورد و بخش‌های اصلی موسیقی «ترن» را در استودیو اجرا و ضبط کردیم. البته با ناصر در دیگر موسیقی فیلم‌هایم همچون بایسیکل‌ران، عروس افغان و مجموعه تلویزیونی محاکمه نیز همکاری داشتیم و نوازنده ساز آکاردئون بود.»

چشم‌آذر همچون همدوره‌ای‌های دیگرش که نسل اول آهنگسازان موسیقی فیلم ایران را تشکیل می‌دادند، اهل ملودی بود. چیزی که در نسل بعدی بسیار کمرنگ شد و فیلم‌ها به هوای مینی‌مالیسم، پست‌مدرنیسم و انبوهی ایسم‌های دیگرِ بی‌بویی که در جهان موسیقی پراکنده شد، از آهنگ‌های بیادماندنی تهی شدند.

چشم‌آذر نه تنها در حوزه موسیقی فیلم که در آهنگسازی ترانه و تصنیف هم ید طولایی داشت، به ملودی سوار بود و این را شاید باید یکی از مهم‌ترین المان‌های کاری او محسوب کرد. با اینکه در میان هم‌نسلان او آهنگسازان ملودی‌پرداز بسیاری کار می‌کردند، اما هیچ کدام‌شان با اختلاف، توانایی او را در ساخت قطعات باکلام نداشتند. همین توانمندی به او کمک کرده بود تا در موسیقی فیلم هم شماری از بیادماندنی‌ترین آثار را آهنگسازی کند. موسیقی آثار مطرحی چون اجاره‌نشین‌ها، می‌خواهم زنده بمانم، خواهران غریب، قارچ سمی، دره شاپرک‌ها و ای ایران در این دسته‌اند که قطعات برخی از آنها همچون خواهران غریب وارد فرهنگ و حافظه شنیداری ایرانی‌ها شده است. به اینها اضافه کنید موسیقی سریال‌هایی چون قصه‌های مجید که واریاسیونی بود از یک تم قدیمی اصفهانی، همین طور آپارتمان که تم ماندگارش باعث شده بود تا مخاطب با آن بتواند به راحتی ارتباط برقرار کند. این راحتی و سادگی ویژگی قطعات چشم‌آذر بود. سادگی کودکانه‌ای که همچون روحیه او در آثارش در جریان بود و اگر چشم‌آذر را از نزدیک می‌شناختید، این کودکانگی که گاه آغشته به هیجان و حرف‌های عجیب و غریب می‌شد را می‌دیدید. بخشی از آن حال و هوا را می‌توان در میکس مهرجویی و حضور او به شکلی مستندگونه دید.

چشم‌آذر در حوزه موسیقی بی‌کلام هم یکی از پرفروش‌ترین آلبوم‌های تاریخ موسیقی ایران یعنی «باران عشق» را ساخت که به جرأت می‌توان گفت بیش از ۲۰ سال در صدر آلبوم‌های موسیقی بی‌کلام ایران ایستاده بود؛ آلبومی که با یک سینتی سایزر توسط چشم‌آذر ساخته شده بود و خودش خاطره ساختش را این طور تعریف می‌کند: «سال ۷۱ سال بیکاری من بود و فقط ۱۰ هزار تومان در حسابم داشتم تا اینکه بهرام بحرینی پیش من آمد و درخواست آلبوم بیکران را کرد که نتیجه آن باران عشق شد. می‌خواستم واقعه کربلا را با معجزه باران عشق امام حسین و یارانش سیراب کنم و تجسم کردم با صدای موج آب و باران ساختم و با استقبال مردم فهمیدم که تنها نیستم.» و البته در جایی دیگر درباره حال و هوای آن از چشم خودش می‌گوید: «باران عشق، اشک مادران داغ‌دیده جنگ تحمیلی ایران و عراق است که بر مزار پاک گل لاله‌هایشان گریستند و گریستند و گریستند...»

بنگاه

کتاب قصه «راز عروسک» با تم صنعت رونمایی شد

جم‌پیلن به داستان‌های کودکانه راه یافت

کمتر شنیده می‌شود که صنعت، آن‌هم صنعت زمخت و خشن پتروشیمی، کتاب داستان در سبک کودکانه تهیه و چاپ کند! سر و کار داشتن با گاز و شیمی و لوله و دستگاه‌های غول پیکر فرصتی باقی نمی‌گذارد تا حوزه نرم‌افزاری فرهنگ، خود را بجز در جشن‌ها و مناسبت‌های گاه و بیگاه نمایان کند.

حالا اما روابط عمومی پتروشیمی جم‌پیلن که متخصص تولید محصولات و گریدهای تسهیل‌گر زندگی است از کتابی برای فرزندان کارکنان جم‌پیلن رونمایی کرده؛ کتابی داستانی که مخاطبش کودکانی هستند که گاه روزها و هفته‌ها، یکی از والدین را در کنارشان ندارند و البته به تلخی عادت کرده‌اند.

احمد بی‌باک، مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل پتروشیمی جم‌پیلن که خود دستی برآتش شعر و ادبیات دارد می‌گوید: «مدت‌ها قبل در مراسمی صمیمی که با حضور خانواده‌های همکاران برگزار شد، سؤالی را از فرزندان کارکنان پرسیدیم در مورد پدرانشان و اینکه چه احساسی نسبت به شغل او دارند؛ بجز تعداد اندکی که شغل پدرشان در حوزه ایمنی و آتش‌نشانی بود هیچ‌کدام واژه تحسین برانگیزی برای شغل پدر نداشتند گو اینکه اصلاً نمی‌دانستند چه شغل بزرگ و مقدسی دارند پدرانی که شبانه‌روز برای سربلندی یک ایران تلاش می‌کنند.»

بی‌باک از جرقه‌ای گفت که پس از این پرسش و پاسخ ساده به ایده‌ای فرهنگی بدل شده؛ کتابی با داستانی کودکانه از صنعت که شعله همدلی و هم‌حسی بیشتری را میان خانواده صنعت برافروزد.

بی باک تأکید می‌کند کتاب قصه «راز عروسک» را برای کودکان ۶ تا ۱۰ سال صنعت آماده کرده و المان‌ها، نمادها و نام‌های جم و جم‌پیلن را به اسامی شخصیت‌ها الصاق کرده تا تلاقی صنعت و زندگی را بیشتر و بیشتر نمایش دهد؛ پدر را جمشید نام نهاده‌اند و عروسک دختر را آیلین و همه اینها تداعی‌گر صنعتی است که به خودکفایی و تولید می‌اندیشد.

مدیر روابط عمومی جم‌پیلن از هدفش برای انتشار جلدهای بعدی این کتاب هم می‌گوید: «در جلد اول با روایت نویسنده گرامی این کتاب، کوشیده‌ایم ارزش کار، فرهنگ کار و نقش محصولات پتروشیمی جم‌پیلن را با زبان قصه به کودکان آموزش دهیم و در جلدهای بعد قصد داریم به نقش زن در صنعت و نقش مادر در خانواده بزرگ صنعت بپردازیم. همچنین با زبان قصه به ظرفیت‌ها و تجربه‌های ارزشمندی که جم‌پیلن در عرصه ملی به عنوان مسئولیت اجتماعی در حوزه تولید محقق کرده است خواهیم پرداخت؛ تجربه‌هایی مثل تولید و عرضه گرید ماسک با قیمت غیررقابتی در اوج بحران کرونا، محصولات حوزه سلامت مثل گریدهای سرم، سرنگ و...»

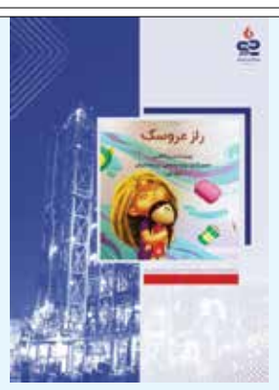

او معتقد است هر چه بیشتر خانواده‌های کارکنان را با صنعت آشنا کنیم درک مشترک از سختی‌ها و مصایب صنعت هم بیشتر می‌شود و آرامش بیشتری هم برای ادامه تکاپوی سخت در دل گرما و شرجی عسلویه به پشتوانه خانواده فراهم می‌آید.

جم‌پیلن تولیدکننده ده‌ها محصول مهم و گرانبها برای ایران و جهان است و به نظر می‌رسد قرار است اتفاقات بهتری را در این شرکت تخصصی صنعت پتروشیمی شاهد باشیم.